

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

منبع: گاردین، نشریه حزب کمونیست استرالیا*

نویسنده: روبرت لاکوود

فرستنده: عثمان حیدری

۰۴ فبروری ۲۰۲۰

طلای انگلیس و امریکا از پرشیا پادشاهی نفت و گرسنگی

ساخته است (۱۹۴۶)

امپریالیست‌های انگلیس هر زمان که حق آن‌ها برای تعیین دولت‌های پرشیای نفت‌خیز - که اکنون ایران نامیده می‌شود - به وسیله نیروهای دموکراتیک زیر سؤال رفته، معمولاً دستکش چرمی را از روی پنجه بوکس بیرون کشیده اند. خود دولت انگلیس یک سرمایه‌گذار امپریالیستی در نفت ایران، و دارای سهم غالب در شرکت نفت انگلیس-ایران است. ارتش امپراتوری به پرشیا به مثابه بخشی از دستگاه دفاعی هند نگاه می‌کند، جایی که فریاد اعتراضی ۴۰۰ میلیون نفر بازی چوگان را در [شهر] پونا مختل نموده، باعث می‌شود در دهلی نو ویسکی از دست جنتمن‌های اصیل بریزد. پیش از جنگ اخیر، امپریالیسم انگلیس همه قدرت سیاسی و فشار نظامی خود را - فقط با اندکی موفقیت - به کار گرفت تا روسیه تزاری را بیرون از پرشیا نگه دارد.

زمانی که انقلاب ۱۹۱۷ به امپریالیسم تزاری پایان داد، نیروهای مداخله‌گر انگلیس علیه آن آذربایجانی‌ها و دیگرانی که در پرشیا از تصاحب زمین و کارخانه‌ها به وسیله دهقانان و کارگران روسیه برخی درس‌های واضح را گرفته بودند، دست به اقدامات شدید زد.

عروج سوسیالیسم در روسیه، باعث شد تا پرشیا به مثابه یک پایگاه مداخله‌گری از اهمیت زیادی برخوردار شود. مارش نیروهای انگلیس به باتومی و باکو، مراکز نفتی، و کشتن سنگدلانه ۲۶ مقام شورای باکو از طرف پرشیا صورت گرفت. یک پایگاه انگلیس برای هواپیماهای آبنشین در بحیره خزر ایجاد شد.

آدم آبرونساید

یک ماجراجوی گردن کلفت به نام رضا خان، در کنار مداخله‌گران انگلیس هم علیه بلشویک‌های روسیه و هم علیه دهقانان شورشی می‌جنگید. او فرزند یک زمیندار در [منطقه] بحیره خزر بود. نفرت او از دهقانانی که می‌خواستند املاک اربابان را تقسیم کنند، او را عزیز جنرال سیر ادموند کرد.

آیرونساید، بعداً لقب «بارون آیرونساید مُقرب» را دریافت کرد. جنرال آیرونساید هم در شمال و هم در جنوب روسیه دخالت کرد.

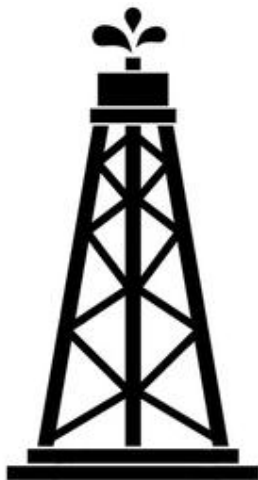
ژنرال آیرونساید با نمایش بی‌مسئولیتی خنده‌دار، رضای سفاک را به مثابه فرمانده نظامی برگزید، و بعداً به او کمک کرد در تهران تاج و تخت را تصاحب نماید.

ماجرای شوری‌ستیز هوادار انگلیس، اعلیحضرت همایونی، رضا شاه پهلوی شد. او حتا از این فراتر رفت و پافشاری کرد که «برترین انسان زنده»، «نماینده آسمان در زمین»، «برادر ماه و ستارگان»، «شاه اندر شاه»، «شاه شاهان» نامیده شود. این امتیازات به خودپرستی رضا و به درخشش رنگ‌باخته پرشیای داریوش، مطلوب شرکت نفت انگلیس-ایران بود.

رضای دیکتاتور مآیون و دمکرات‌های پرشیا را به شام دعوت کرد، و کمی بعد آن‌ها به بیماری‌های کشنده مبتلا شدند. او شخصاً مسلمانان آذربایجان را زیر شلاق خود گرفت، و بر بهادر آویختن دیگران نظارت کرد.

زمانی که فرانسه سعی کرد در نفت پرشیا عرض اندام کند، رضا به وسیله شرکت نفت انگلیس-ایران کار درست را انجام داد. او روابط دیپلماتیک را با فرانسه قطع کرد، زیرا یک روزنامه فرانسوی شاه را به گربه تشبیه کرده بود. مشکل این بود که او در دنبال کردن سرمشق تعیین شده به وسیله مدیران شرکت نفت انگلیس-ایران بسیار ذوق‌زده بود. آقای فرنک سیروول تیارکس، یکی از مدیران شرکت نفت انگلیس-ایران، به عضویت یک شورای هوادار نازی‌ها در لندن به نام «شورای دوستی انگلیس-المان» درآمد. آقای تیارکس، همان‌طور که رضا شاه می‌دانست، شخص بسیار مهمی بود.

او مدیر بانک انگلیس، و شریک در بانک یوهان هاینریش شرودر بود. برادر او، کرت بارون فون شرودر، بانکدار کلن، در خانه خود میزبان ملاقات بین هیتلر و آریستوکرات‌های صنعتی و مالی المان شد، ملاقاتی که سرنوشت دمکراسی المان را رقم زد.



آقای اچ. ب. هیث ایوز، یکی دیگر از مدیران شرکت نفت انگلیس-ایران نیز به «شورای دوستی انگلیس-المان» پیوست، و دیگری که با شرکت نفت انگلیس-ایران مرتبط بودند، از جمله دولت انگلیس، سیاست‌های مونیخ را دنبال می‌کردند. رضا شاه از رفتار اربابان خود ایده را گرفت که هیتلر و موسولینی به زودی رؤسای جدید خواهند بود.

او با نازی‌ها توافق‌نامه‌های تجاری امضاء کرد؛ بازرگانان و ۱۰۰ فروند هواپیمای جنگی المانی وارد پرشیا شدند. رضا همچنین از ایتالیا کشتی خرید و افسران ارتش ایتالیا را استخدام کرد. بدتر از همه، او سعی کرد قراردادهای نفتی انگلیس-ایران را لغو نماید و مانع حضور نیروی بحری انگلیس در خلیج فارس بشود.

در سال ۱۹۴۱، زمانی که روسیه یک متحد شد، انگلیس و روسیه، و سپس امریکا، توافق نمودند این پایگاه نازی را پاکسازی کنند، و رضا شاه، متحد هیتلر را خلع نمایند.

آذربایجانی‌ها در ارتش سرخ، در شمال پرشیا اپراها و نمایش‌های آذربایجانی اجرا می‌کردند؛ فرهنگ ارتش سرخ، کمکی که شوروی به مردم گرسنه پرشیا و پاکسازی اپیدمی‌های غذایی کرد، باعث شد بسیاری از آن‌ها احساس کنند که

شاهان دیکتاتور و شرکت نفت انگلیس- ایران برای مدت طولانی حقوق فرهنگی و اقتصادی آن‌ها را پایمال کرده اند.

گرسنگی، فساد

پرشیا ۱۲ میلیون نفر جمعیت دارد، ۲۰۰۰ فامیل که مالک زمین و صنعت محلی است و «پارلمان» و دولت را در اختیار دارد، بر آن حکومت می‌کند. یک خبرگزاری انگلیس اذعان نمود که از ۸۰۰ هزار نفر جمعیت تهران، ۷۰۰ هزار نفر همیشه گرسنه است. پولیس، ارتش و دولت فاسد است، مالیات بسیار بالاست. دهقانان در اسارت فنودالی نگه داشته می‌شوند، اربابان یا غایب اند یا رؤسای سنگدل محلی هستند. دهقان، اغلب فقط یک-پنجم تولید خود را دریافت می‌کند، باقی را ارباب می‌برد. در روستاها گرسنگی مزمن وجود دارد، گدایانی که استخوان آن‌ها از پوست‌شان بیرون زده در کناره همه راه‌ها لنگان لنگان می‌روند، بیماری‌های واگیر و تریاک روستاها را فرا گرفته اند.

در شهرها، کار کودک، قوانین کیفری علیه اتحادیه‌های کارگری، یک نظام تنبیهی علیه کارکنان وجود دارد. دفاتر بزرگ شرکت نفت انگلیس- ایران بر بازارهای متعفن و زاغه‌ها سایه انداخته اند.

متحدین امپریالیسم

زمانی که متحدین آمدند و رضا شاه بیرون انداخته شد، مردم پرشیا به برقراری سریع مردمسالاری، تصفیة فنودال-فاشیست‌ها، ارتقای استانداردها و تخفیف گرسنگی امید داشتند. در منطقه تحت اشغال شوروی دموکراسی پیشرفت کرد، اما منافع نفتی خارجی و ۲۰۰۰ فامیل حاکم بر پرشیا، ایده‌های متفاوتی داشتند.

در مناطق انگلیس و امریکائی، حزب دموکراتیک توده، که در نبرد خود علیه بردگی دهقانان به نیروی عظیمی مبدل شد، و اتحادیه‌های کارگری که در مبارزه علیه بردگی کارخانه تشکیل شدند، مورد حمله ددمنشانه ژاندارم‌های پرشیا قرار می‌گرفتند. قتل، بازداشت، آدم‌ربائی وجود داشت.

شیوخ و خوانین پرشیا، شبیه شاهزادگان هند، متحدین امپریالیسم بیگانه هستند. آن‌ها در ازای اجاره، حسن‌نیت و حمایت، از شرکت نفت انگلیس- ایران مواجب و اسلحه دریافت می‌کنند.

با شکست متجاوزان المانی، شیوخ و خوانین و متحدین خارجی آن‌ها احساس کردند برای متوقف ساختن جنبش کارگران، دهقانان و اقشار میانی به سوی استقلال ملی، استانداردهای بالاتر و تقسیم اراضی، لازم است یک رضا شاه جدید در تهران به تخت بنشیند.

فنودال‌ها و امپریالیست‌ها آدم خود را در سید ضیاءالدین یافتند، که به گفته یک خبرگزاری انگلیس، اکنون تحریکات ضدشوروی را در مجلس («پارلمان» ایران) هدایت می‌کند. او یک زمیندار بزرگ است.

منافع امریکا

مأموران تجاری و فرستادگان دیپلماتیک امریکا نیز منافع بسیار غیرسالمی را در پرشیا نشان می‌دهند و از دسیسه‌های مستبدین پرشیا علیه اتحاد شوروی حمایت می‌کنند.

راکفلر و خویشاوندان کنسرن‌های نفتی سینکлер نیز در پرشیا منافع دارند. هم راکفلرها و هم سینکله‌ها پرونده‌های قطوری در مداخله سیاسی دارند.

یک معامله بین سینکرها و موسولینی به قتل مائوتی، سوسیالیست ایتالیائی انجامید. مائوتی در پارلمان معامله مخفی را که شرکت نفت ایتالیا را به سینکرها می‌داد محکوم نمود، و چندی بعد کشته شد.

سفیر سابق ایالات متحده در چین، سرلشکر پاتریک هیرلی، یک «دیپلمات سینکرها» شناخته می‌شود. جی. ام. کافی، نماینده از حزب دمکرات در کنگره گفت که هیرلی در حالی که در دستگاه دیپلماتیک ایالات متحده بود سالانه ۷۵ هزار دالر از سینکرها دریافت می‌کرد. هیرلی به جنگ چیانگ [کای چک] علیه کمونیست‌های چین، که مناطق نفتی مهمی را آزاد کرده بودند، یاری و کمک می‌رساند.

جی. ام. کافی گفت: «هیرلی همیشه در کشورهای دارای ذخایر نفتی فعالیت می‌کرد. او پس از خروج از یک کشور، به کشور نفت خیز دیگری می‌رفت.»



مارش به سوی دمکراسی

خوشبختانه، روزهایی که سلاطین نفتی می‌توانستند با رشوه بر مردم مسلط شوند، یا مداخله‌گران امپریالیست می‌توانستند دیکتاتوری‌هایی را که اکثریت مردم نمی‌خواهند، سر کار بیاورند و برای مدت طولانی نگه دارند، سپری شده است. در آذربایجان، مردم به انتخابات آزاد می‌ورند، اکثریت آن‌ها برای نخستین بار رأی می‌دهند. در تهران، دولت پولیسی، که دولت‌های انگلیس و آمریکا از آن حمایت می‌کردند، سقوط کرده است.

هیچ مقدار اختلال و تبلیغات ضدشوروی در مجمع عمومی ملل متحد در لندن [نخستین اجلاس مجمع عمومی ملل متحد در ۱۰ جنوری ۱۹۴۶ در تالار مئدیسیت مرکزی شهر لندن آغاز به کار کرد- عدالت] نمی‌تواند این فاکت را پنهان نماید که مردم پرشیا، مانند مردم یونان و اندونزی، بر به دست آوردن حقوق خود در منشور آتلانتیک، بدون توجه به هر مانعی که امپریالیست‌ها بر سر راه آن‌ها قرار دهند، پافشاری می‌کنند.

۲۷ جنوری ۲۰۲۰

* این مقاله ۷۴ سال پیش برای نخستین بار در ۲۹ جنوری ۱۹۴۶ در «تریبیون» منتشر شد.

<https://www.cpa.org.au/guardian/2020/1900/10-persia.html>